

(۳)

## ایران و اسلام

در شماره پیش مقیاس ملیت را ذکر کردیم ، معلوم شد برای اینکه پدیده خاصی برای قوم خصوصی دهمی ، محسوب شود کافی نیست که پدید آورنده آن پدیده جزء افراد آن قوم بوده باشد ، بلکه لازم است که اکثریت افراد آن قوم آن را پذیرفته باشند و لا اقل طرد نکرده باشند ، همچنانکه برای اینکه پدیده خاصی برای یک قوم خصوصی «بیگانه» محسوب شود کافی نیست که پدید آورنده اصلی آن جزء قوم بیگانه بوده باشد .

ما برای اینکه پدیده ای که در میان قوم پدید آمده است برای قوم دیگری بیگانه شمرده نشود ، دوش شرط را لازم شمردیم :

اول اینکه آن پدیده رنگه ملیت خاصی نداشته باشد ، جنبه کلی و عمومی و انسانی داشته باشد .

دوم اینکه آن ملت دیگر ؛ آزادانه آنرا انتخاب کرده باشند .

اکنون نوبت اینست که به بینیم آیا اسلام برای ما مردم ایران از نظر احصای ملی و ناسیونالیستی بیگانه شمرده میشود و یا خودی و ملی به حساب میآید ؟ .

در اولین شماره این مقالات ثابت کردیم که در اسلام قومیت و ملیت بیبج وجه جان ندارد ، دین اسلام از این نظر کاملاً بی رنگه است . مقیاس های اسلام ، کلی د جهانی است و بر اساس فضائل انسانی از قبیل علم و عمل و تقوا و پاکیزگی است . اسلام با تعصبات ملی سخت نبرد کرده است ؛ پس شرط اول که مربوط به اسلام است خود هیچ شائبه دیدی موجود است . اکنون ببینیم شرط دوم که مربوط به مردم ایران است چگونه است ؟ آیا مردم ایران اسلام را آزادانه بمیل خود پذیرفتند یا بزور به آنها تحمیل شد ؟

این قسمت جزئی از یک مبحث بزرگ تر را در گسترش و پیشرفت سریع و عمیق اسلام در دنیای چهارده قرن پیش است همان گسترش و پیشرفتی که هر چه زمان را آن گذشته هم دائره اش وسیعتر شد ، و هم بر عمقش افزوده شده است

اول لازم است نظری ولو بنحواجمال به این مبحث بزرگ بیفکنیم ، سپس سخن خود را درباره کیفیت گسترش اسلام در ایران جلو رتفصیل نهال خواهیم کرد .

## نفوذ انتشار اسلام

لا بد میدانید که نفوذ و انتشار سریع اسلام یکی از عجایب تاریخ جهان است غالباً آنرا بصورت و مسأله یاد میکنند ، بلی عجیب است معما است ، زیرا علاوه بر سرعت ، عمیق بود ، از میان ملتی بر نداشتن بود که آیهت و عظمتی داشته باشند و ملت‌های دیگر در خودشان نسبت با آنها احساس حقارت کنند و هر چه از ناحیه آنها برسد بی‌چون و چرا بپذیرد ، برعکس ، از میان ملتی بر خاست که ملت‌های دیگر آنها را تحقیر میکردند آنها را « شیر شتر خوار » و « سوسمار خوار » میخواندند ، و طبیعتاً میلی در پذیرش کیش و عقیده و فلسفه‌ای که از میان آنها بر خاسته بود نداشتند .

ملت‌هایی که اسلام بر آنها غلبه شده است چنان اسلام را در آغوش گرفتند که خود خدمتگزار اصلی و مبلغ و سراج این دین در میان سایر ملل و از آن جمله ملت عرجه کنند یعنی قوم عرب در آمدند .

قدرت و نفوذ سیاسی قوم عرب بیش از یک قرن نباید و ملت‌های دیگر جای آنها را گرفتند ؛ اما اسلام قرن بشن بر قدرت و نفوذ خویش افزود یعنی احساسات نژادی و احساسات مذهبی دیگری را که کم و بیش رقابت میکرد بکلی مغلوب کرد

اعصار و قرون بعد از لحاظ فرهنگ و تمدن با دوره مسلمین صدر اسلام تفاوت و اختلاف زیادی داشت ، یعنی در سطح عالیتری قرار گرفته بود ، و همین اختلاف سطح کافی است که به نفوذ جریانی‌هایی که مولود دوره بخصوصی است ، در دوره بعد خاتمه دهد ، اما نفوذ اسلام همچنان محفوظ ماند بلکه عمیق‌تر گردید .

اینهاست که این موضوع را بصورت امری عجیب بلکه بصورت یک معما در آورده است شما از هر محقق اجتماعی عالم‌شناسی که دل‌تان میخواند بپرسید : آیا این کیفیت بدون اینکه حیات تازمادی پر از شور و سعادت در درون ملل مغلوب بختی آمده باشد و بدون آنکه سنزها و قلب‌ها را اشباع کرده باشد بدون آنکه بر ندگی مردم سروسامانی داشته باشد بدون اینکه مظهر جهان‌ها از دیده آنها موحش کرده باشد ممکن است ؟

اسلام با تعلیمات آحاد آدمی برخورد که سادگی و مفهومی بودن را با نفوذ و دست‌یابی حاصل کرده بود ، مشتقی و عقلانی بودن را با شور و کبیری و جدایت توأم داشت ، سروسامان دانی به زندگی دنیائی و توشه‌گیری برای آخرت را در یک راه‌نشان میداد ، سلامت و سعادت بدن

را با سلامت و سعادت روح مغایر نمیشورد ، توانست جهان را زیر نفوذ خودش قرار دهد .

بزم نفوذ و انتشار سریع و عمیق اسلام این بود که « رحمة للعالمین » بود ، هم‌زمان نفوذ همان حقیقت کلی و ناموسی جهانی است که خود قرآن توضیح داده است و « اما ما نفع الناس فیما کنت فی الارض » هر چه بحال بشر مفید واقع شود ؛ و حاجت فزونی او را بر آورد باقی میماند .

چه قدر سطحی و ناشایسته است که نفوذ و انتشار عجیب این دین را که هنوز هم پس از چهارده قرن در حال پیشروی است ناشی از قانون جهاد و فتوحات صدر اسلام بدانیم .

در اسلام قانون جهاد است ، و این خود یکی از افتخارات این دین است و از واقع بینی و جنبه عمومی و همه‌زمانی این دین حکایت میکند . اما بکنه « دکتر لورا و اکسیا و انگلیزی با نوبی دانشمند و نویسنده رساله « پیش رفت سریع اسلام » (۱) و استاد دانشگاه تابل در ایتالیا » : « جهالت دارد که با وجود آزادی‌های زیادی که در کشورهای اسلامی به افراد غیر مسلمان داده شده و با اینکه در زمان حاضر بمعنی واقعی هیچ‌گونه سازمان تبلیغاتی در اسلام وجود ندارد ؛ معذک در برابر آثار و علائم محسوس ضعف و انکسار دین در سال‌های اخیر ، کیش اسلام لا ینقطع در آسیا و افریقا پیشرفت میکند امروز نمیشود گفت که شمشیر فاتحین ، راه را برای نشر اسلام صاف میکند ، بلکه بالعکس در منطقه‌هایی که یک وقتی دولتهای اسلامی حکومت میکردند ، فعلاً دولتهای تازه‌ای از سایر ادیان حکومت دارند ، و سالهاست که سازمانهای تبلیغاتی نیرومندشان در میان مسلمین فعالیت میکنند ، با اینحال نتوانسته‌اند اسلام را از زندگی مردم جدا کنند چه نیروی معجز آسمانی در این دین نهفته است ؟ چه نیروی ذاتی از افتخار و ارضاء با این دین مزوج شده است ؟ کدام یک از اعصاب و زوایای روح بشر است که با چنین جوش و خروش آنرا استقبال میکند و به این ندای دعوت لبیکه اجابت میگوید ؟ »

« بقیه دارد »

(۱) این رساله بوسیله جناب آقای سید غلامرضا سعیدی به فارسی ترجمه شده است .